

1395/9/22 دوشنبه

علل و عوامل شکل گیری فتنه و نقش خواص

در کل، نظام سیاسی رقابتی و مشارکت آمیز خود دستگاهی برای آموزش و تربیت سیاسی شهروندان به شمار می‌رود. می‌توان به این واقعیت پی برد که اراده ملی و مشارکت ملی دارای شاخض ها و پیش فرض هایی است که بدون بسترسازی این شاخص ها روند دموکراسی خواهی با چالش مواجه می شود.

کارکردهای انتخابات مردم سالاری دینی  
  
**الف: تحول در فرهنگ سیاسی**برگزاری انتخابات منظم عاملی در فرهنگ‌سازی سیاسی تلقی می‌گردد. فرهنگ سیاسی مقوله تحول‌پذیری است و شیوه عملکرد ساختار قدرت بر آن تاثیر می‌گذارد. انتظار اینکه فرهنگ سیاسی در نتیجه تحولات آموزشی و اقتصادی و تحرک اجتماعی دگرگون گردد، انتظار درستی است، اما نمی‌توان تصور کرد که بدون تغییر در ساختار قدرت این تغییر، همه جانبه و موثر باشد. در کل، نظام سیاسی رقابتی و مشارکت آمیز خود دستگاهی برای آموزش و تربیت سیاسی شهروندان به شمار می‌رود. می‌توان به این واقعیت پی برد که اراده ملی و مشارکت ملی دارای شاخض ها و پیش فرض هایی است که بدون بسترسازی این شاخص ها روند دموکراسی خواهی با چالش مواجه می شود. این مسئله ارتباط نزدیکی با فرهنگ جوامع دارد. مردمسالاری دینی به عنوان یک الگوی نوین با توجه به اینکه مسئولیت درونی و وجدان درونی فرد و پاسخگویی فرد را در پیشگاه خداوند متعال به دنبال دارد، زمینه مناسبتری برای تسریع در روند بسترسازی دارد.  
  
اما باید به این نکته توجه داشت که مردم یکی از اجزای اصلی هر انتخاباتی هستند و از آنجایی که تصورات و انگاره هایی است که افراد نسبت به دولت و نظام سیاسی پیدا می کنند، در فرهنگ سیاسی محور کار قرار می گیرد؛ پس باید به انتخابات و اصل حاکمیت مردم سالاری دینی به عنوان عنصری برای رشد و افزایش بصیرت سیاسی مردم نگریست. در ایران نیز مانند هرکشور دیگری که نظام های سیاسی گوناگونی را در طول سالیان دراز تجربه کرده است، تصورات و انگاره های ویژه ای در رابطه بین مردم و دولت ها به وجود آمده و ماندگار شده است. در پژوهش های گوناگونی تلاش شده است تا این رابطه ترسیم و تبیین گردد. وجه مشترک بیشتر این پژوهش ها رسیدن به نوعی رابطه آمریت ـ فرمانبرداری، به عنوان شاخصه اصلی نگاه میان نظام سیاسی و مردم است. در بطن این رابطه مفاهیم و متغییرهایی چون تملق قدرت، قدرت گرایی، خود محوری، ترس از کار جمعی، عدم نگاه آینده نگر و برنامه ریز و... وجود دارد. یکی از اصلی مولفه های فرهنگ سیاسی ایرانیان که اکثر پژوهشگران داخلی و خارجی بر آن تأکید کرده اند عدم وجود روحیه همکاری میان آنان و تمایل آنان به کارهای انفرادی است. خصلتی که شاید از فرهنگ سیاسی پاتریمونیالیستی در طول تاریخ استبداد در ایران نشات گرفته باشد.  
  
ولیکن واضح است این عدم تمایل ایرانیان، حتی نخبگان، به کار جمعی و اولویت دادن به کارهای انفرادی سبب گردید از این ناحیه ملت ایران در طول تاریخ متحمل ضررهای عمده ای گردد که شاید مهمترین آنها تأخیر در توسعه سیاسی و فراهم شدن فرصت برای دولت های بیگانه در مواقع حساس برای بهره برداری از موضوع باشد. بنابراین می توان با در نظرگرفتن رابطه ای تعاملی میان فرهنگ و ساختارهای سیاسی به رفع این مشکلات پرداخت. گسترش روحیه انتقاد و نظریه پردازی، نگاه راهبردی، کار دسته جمعی، تحمل مخالف، اعتماد به نفس و ... از جمله نیازهای فرهنگی ای هستند که شاید نتوان به یکباره آنان را در جامعه نهادینه ساخت، و لیکن می توان با ایجاد ساختارهای سیاسی نوین به آنان جامه تحقق پوشاند. شاید با کمی فرهنگ سازی رسانه ای و ایجاد ساختار سیاسی مشارکتی بتوان به بالاترین سطح فرهنگ سیاسی مدنی دست یافت. ساختار مردم سالاری با محوریت رای مردم به نمایندگان مجلس شورای اسلامی، بهترین ساختار برای تامین مصادیق ذکر شده فرهنگ سیاسی باشد. امری که می تواند در عین؛ افزایش روحیه جامعه پذیری در میان ایرانیان به کاهش منازعات در میان نخبگان سیاسی و حاکم گردیدن روحیه همکاری در میان آنان انجامیده و بتوان با تکیه بر آن سریعتر از گذشته مسیر دهه پیشرفت و عدالت را پیمود. ترغیب فردباوری و عقلانی‌سازی رفتار جمعی نیز یکی دیگر از کارکردهای انتخابات است. سازماندهی افراد در نهادی مدنی و فراهم آوردن مکانیزمی برای اظهار وجود اخذ رای و نظر آنها سبب می‌شود هر فرد ضمن کسب احساس تعلق و موثر بودن و هویت جمعی بر تنش‌های ناشی از خود بیگانگی و بی‌تفاوتی سیاسی فاق آید. انتخابات بواسطه کارکرد تخصص خود در روند عقلایی‌کردن سیاست و مشارکت در نظام مردم سالار نقش بسزایی را ایفا می‌کند   
  
**ب: توسعه سیاسی**برخی نظریه پردازان سیاست، به سه نوع رابطه میان فرد و نظام سیاسی اشاره کرده اند. در نوع اول مردم آگاهانه در تمامی امور سیاسی مشارکتی فعالانه دارند و نظام سیاسی را از خود می دانند. در نوع دوم، این نظام سیاسی است که از بالا حکم می راند و مردم نقشی در وضع قوانین و اداره جامعه ندارند. در نوع سوم به دلیل عدم شکل گیری و شناخت از نظام سیاسی و دولت ملی هیچ گونه مشارکتی قابل تصور نیست. جمهوری اسلامی ایران یادگار امام راحل(ره)، پدیده ای نوظهور در عالم انسانی بود. در مرکز گفتمان امام، اسلام یک دین متعالی بود. غنای مفهومی چنین دینی تمامی زوایای زندگی آدمی را در بر گرفته، سیاست را همنشین دیانت کرده، هر دو را در کنش اجتماعی مردم متجلی نمود. بنابراین حضور مردم و نحوه تعامل آنان با نظام در یک زمینه اجتماعی مثبت، از جمله اهداف اساسی پیش روی نظام است. نظام پارلمانی متجلی در مجلس شورای اسلامی پیوستگی میان مردم و نظام را تشدید کرده و مشارکت فعال مردم در نظام سیاسی را امکان پذیر تر و مسئولانه تر می سازد. پاسخگویی نهاد قدرت و حکمرانی خوب، با توجه به رابطه تعاملی این نهاد با سایر حوزه های اجتماعی، فرایند جامعه پذیری سیاسی و توسعه سیاسی را در کشور نهادینه نموده و آن را تسریع می بخشد. نتیجه این امر حس اعتماد و اطمینان مردم به مجریان و همراهی جامعه با سیاستهای حکومت می باشد. در اینجاست که انتخابات آزاد و قانونمند به عنوان بارزترین شکل نهادینگی مشارکت سیاسی، عمده‌ترین ابزار ایجاد و حفظ جامعه مدنی به شمار می‌آید. رویه‌های مشارکت سیاسی از طریق انتخابات می‌تواند مسبب تکوین و تداوم جامعه مدنی باشد. انتخابات فضا را برای بسط دامنه قدرت اجتماعی یا به عبارتی قدرت نهادهای واسط می‌گشاید و از مسئولیت حکومت در برابر ملت سخن می‌گوید(5) انتخابات به ایجاد و بازنمایی مشروعیت سیاسی می‌انجامد و بر وسعت و کیفیت مشارکت مردم می‌انجامد. انتخابات و آرای عمومی برای انتخابات کارگزاران و حل مشارکت کشور مهمترین عامل مشروعیت حاکمیت است.  
  
**ج: ساختارسازی سالم سیاسی**یکی از مهمترین کارکردهای انتخابات، قاعده‌مند نمودن انتقال قدرت سیاسی از گروهی به گروه دیگر است. فقدان قاعده‌ای برای انتقال و توزیع قدرت سیاسی و مسئولیت اداره جامعه، مصائب سیاسی گوناگونی به دنبال می‌آورد. ایمان به وجود و کارکرد انتخابات به گروه‌هایی که برای تصاحب قدرت سیاسی به رقابت می‌پردازند، تضمین می‌دهد که بهترین راه و شیوه کسب قدرت، حضور در انتخابات است. کسب قدرت از راه انتخابات ضمن دارا بودن مشروعیت لازم از سوی مردم، مسالمت‌آمیزترین شیوه در رسیدن به اریکه قدرت است. انتخابات زمینه‌های لازم برای چرخش نخبگان و دگرگونی در بخش‌هایی از گروه حاکمه را بطور مستمر فراهم می‌سازد. بدین شکل محکمه انتخابات و رای مردم در عین اینکه فضایی برای تصمیمات ایجابی مردم است از سوی دیگر تمامی اقدامات خشونت امیز برای کسب قدرت و جرزنی های سیاسی را نفی می کند.  
  
در واقع سازماندهی انتخابات واقعی با افزایش مشارکت و گسترش رقابت سیاسی بین گروه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی بستری مناسب برای رقابت تشکل‌های موجود در جامعه بوجود می‌آورد و حتی شرایط و زمینه‌های لازم برای ظهور گروه‌های جدید سیاسی- اجتماعی بوجود می‌آورد. براین اساس انتخابات به عنوان عرصه مبارزه در رقابت گروه‌ها، تشکل‌ها، اندیشه‌ها، طرحها و دیدگاه‌ها از یک طرف با بسط علایق سیاسی در بین آحاد مردم، آنها را به حقوق سیاسی خودشان آشنا ساخته و باور شهروندان را به رعایت ارزشهای مردم سالارانه تقویت می‌کند و از طرف دیگر رقابت مسالمت آمیز بین گروه‌های سیاسی را برای تصاحب قدرت نهادینه ساخته و موجب تقویت آنها می‌شود. این رقابت سالم و در نظر داشتن حریم ها و حرمت های نظام اسلامی و همچنین منافع ملی البته از جمله خواست های عمیق نظام مردم سالاری است. مقام معظم رهبری در این باره انتخابات دهم ریاست جمهوری را به عنوان مثال تلخ این مسئله مطرح می کنند:  
  
بهترین خاطره ها، حضور عظیم و خیره کننده چهل میلیونی مردم در پای صندوقهای رأی بود و بدترین خاطره ها مربوط به «جرزنی های» سیاسی برخی افراد ناباب، نادان و بعضاً معاند، در انتخابات بود...در هر انتخاباتی ممکن است عده ای معترض باشند، در چنین شرایطی، قانون، راه را معین کرده است، اما در انتخابات سال 88 عده ای راه قانون شکنی، تحمیل هزینه به کشور و مردم، شاد کردن دشمن، و اجرای برنامه های مورد نظر دشمن را برگزیدند ولی راه به جایی نبردند زیرا مردم در صحنه بودند و تا زمانی که ملت در صحنه است. انتخابات مظهر حضور مردم و نتیجه آن، مظهر خواست و رأی مردم است و همه باید به آن احترام بگذارند. رقابت غیر از خصومت و تهمت زنی متقابل است، رقابت به معنای اثبات خود با نفی دیگران نیست. رقابت، دادن وعده های خلاف قانون، برای جلب نظر مردم نیست.(6)  
  
در مقطع فعلی نظام اسلامی به دنبال ترکیبی زیبنده از ثبات و رشدسیاسی می باشد. امری که اخیرا مکرر در بیان مقام معظم رهبری تجلی می یابد. در سالهای پس از جنگ، دولت های برسرکار همواره یکی از دو مقوله ثبات و رشد سیاسی را فدای دیگری نمودند. دولت سازندگی به بهانه ثبات سیاسی و تمرکز بر توسعه اقتصادی بر حضور مردمی خط قرمز کشیده و دولت اصلاحات در راه نیل به توسعه سیاسی، ثبات و آرامش سیاسی را خدشه دار نمود. بنابراین طرح مسائلی چون حاکمیت دوگانه، اختلافات قوا، تاثیرات مخرب روحیات شخص رئیس جمهور، تعدد و تعارض مراکز تصمیم گیری و ... از دیگر عوامل موثر در مطرح شدن این موضع بوده است. ساختار پارلمانی در عین انسجام و وحدت بخشی به قوای حکومتی، که نتیجه آن ثبات سیاسی است، ضامن تحقق مردم سالاری و تغییر مسئولین با خواست مردم است.  
  
**د: اقتدار و عزت ملی**  
  
یکی از مهمترین کارکرد ویژه انتخابات و مشارکت سیاسی مردم، در حوزه خارجی و بین الملل اولا رشد پرستیژ کشور و از سوی دیگر خنثی‌سازی توطئه‌ها و تهدیدات دشمنان می‌باشد که در عین حال موجب افزایش اقتدار نظام و امنیت ملی کشور می‌شود و دارای پیامدهای مثبت منطقه‌ای و بین‌المللی برای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. مقام معظم رهبری نیز به درستی برگزاری پرشکوه انتخابات را نشان بزرگی ملت ایران می دانند:  
  
حضور مردم در انتخابات، یکی از مهمترین مظاهر اقتدار ملی است ... البته سلایق مردم مختلف است نامزدها هم متعددند، هر کدام از آنها هم سلیقه و نظری دارند و مردم هم به یک نفر رأی می‌دهند، این مسأله بعدی است. مسأله اول این است که همه در این آزمون عمومی ملت ایران شرکت کنند و نشان بدهند که ملت ایران زنده است و به سرنوشت کشورش علاقه دارد. تحلیلگران گوناگون در اطراف دنیا روی این موضوع حساب می‌کنند. خیلی از آنها می‌دانند و بعضی هم دیده‌اند و بعضی نیز در پرونده‌ها خوانده‌اند که در این مملکت از اول مشروطیت تا قبل از انقلاب - که حدود شصت سال فاصله بود - جز موارد بسیار معدودی مردم به صندوق‌های رأی مجلس اعتنا نکردند. زمامداری کشور هم که در اختیار خانواده دست نشانده بود. آنها می‌بینند که امروز مردم ایران وارد میدان می‌شوند و خودشان مسئولان کشور را انتخاب می‌کنند؛ این شرف و عزت بزرگی برای ملت ایران است.(7)  
  
حضور مردم در انتخابات را تضمین کننده اقتدار ملی ایران دانست. حضور پرشور مردم در پای صندوق‌های رای پیام های فراوانی به خارج از مرزهای سیاسی و جغرافیایی کشور دارد. حفظ استقلال کشور با تکیه بر مردم، نمایاندن رشد و بلوغ سیاسی، تبیین الگوی مردم سالاری دینی به عنوان الگوی ایرانی اسلامی متناسب با نیازهای روز جهانی و در نهایت اقتدار ملی مهمترین کارویژه های انتخابات در نظام مردم سالاری دینی می باشد.  
  
حضور [شما] در پای صندوقها، نشان دادن مردم سالاری در این کشور، تقریباً از همه کشورهای غربی و کشورهای لائیک بیشتر بوده و این دفعه هم به فضل الهی همین طور خواهد شد.(8)   
  
**جمع بندی**انتخابات در کنار دیگر ساز و کارهای مشارکت شهروندان به صورت انفرادی یا جمعی،گروهی و صنفی، همچنان به عنوان بارزترین و قابل اندازه‌گیری ترین نوع مشارکت مردم در عرصه سیاسی است. همچنین انتخابات از یک سو پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است. چنانچه دیدیم در نظام مردم سالاری، مردم نقشی محوری دارند؛ در عین اینکه رای مردم یکی از پایه های این نظام در کنار حقانیت دینی است، وظیفه خدمت به مردم از جمله اساسی ترین اهداف اسلامی در حوزه سیاست محسوب می گردد. تاکید بر انتخابات نیز در عین اینکه، تاکید به نقش مردم است، کارویژه های فراوانی در پیشرفت و رشد دولت- ملت ایران اسلامی دارد که می توان اینچنین از آنها نام برد: توسعه فرهنگ سیاسی مشارکتی، ارتقای فرایند جامعه پذیری و همکاری های دسته جمعی، تغییر و اصلاح تکاملی و مداوم ساختارهای سیاسی، افزایش امید و اعتماد در مردم و احساس عزت ملی، محافظت از کشور در برابر تهدیدات خارجی و ...